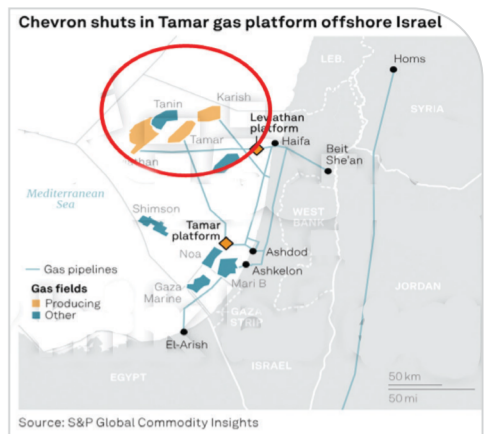




نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام نهم

در مقابل زیرساخت‌های ما، زیرساخت‌های منطقه و اسرائیل شکننده است و این فرصتی راهبردی برای تغییر معادلات قدرت محسوب می‌شود.



حملات به زیرساخت‌های کشور، به‌ویژه انبار نفت تهران و البرز، یک نقطه ویژه در جنگ منطقه‌ای کنونی است. رژیم صهیونیستی و آمریکا با این اقدام، از خط‌قرمز دیگری عبور کرده و عملاً جنگ را به سطح تازه‌ای از تقابل کشانده‌اند.

در تحلیل موقعیت کنونی، نباید از یک واقعیت مهم غفلت کرد که زیرساخت‌های حیاتی منطقه و به طور خاص سرزمین‌های اشغالی، در مقایسه با ایران از شکنندگی بسیار بالایی برخوردارند. تمرکز بالای

تأسیسات حساس، تراکم جمعیت و وابستگی شدید شبکه‌های انرژی، آب و ارتباطات در اسرائیل به نقاط معدود و آسیب‌پذیر، این رژیم را به هدفی قابل‌دسترس تبدیل کرده است. این شکاف راهبردی میان پایدارای زیرساخت‌های ایران و شکنندگی زیرساخت‌های دشمن، بیکی از فرصت‌های

پیش روی کشور است. این شکنندگی، یک فرصت طلایی برای تغییر معادلات محسوب می‌شود. ضروری است که این فرصت را با پاسخی فراگیر و چندلایه، به نقطه قوت راهبردی تبدیل کنیم. پاسخ ایران باید چنان باشد که اسرائیل و متحدانش طعم واقعی جنگ زیرساختی را بچشند. هدف قراردادن تأسیسات کلیدی انرژی، آب و ارتباطات در سرزمین‌های اشغالی، می‌تواند تصویر واقعی از توان ایران و ضعف ذاتی دشمن را به نمایش بگذارد.

هدف راهبردی باید نمایان ساختن این شکنندگی در عمل باشد. پاسخی که چندین نقطه حیاتی و زیرساختی رژیم صهیونیستی را هدف قرار دهد، نه تنها شدت عمل ایران را نشان می‌دهد، بلکه تصویر روشنی از آسیب‌پذیری ذاتی دشمن را برای همگان به نمایش می‌گذارد. تغییر معادله جنگ دقیقاً به همین معناست.

پیام دهم

کشورهای عربی می‌بایست مسئولیت تأمین غرامت‌های جنگ را بر عهده بگیرند.



کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که خاک خود را در اختیار ائتلاف متجاوز آمریکا و اسرائیل قرار دادند، نمی‌توانند از زیر بار مسئولیت‌های حقوقی و مالی خود شانه خالی کنند. بر اساس حقوق بین‌الملل و رویه‌های ثابت شده در منازعات منطقه‌ای (همچون غرامت عراق به کویت پس از جنگ ۱۹۹۱)، کشورهایی که بستر تجاوز به کشوری دیگر را فراهم آورند، ملزم به جبران خسارات هستند.

استاد و گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که پایگاه‌های نظامی العديد در قطر، علی‌السالم در کویت، الظفره در امارات و مقر ناوگان پنجم در بحرین، همگی به عنوان سکوهای پرش برای حملات هوایی و موشکی علیه ایران مورد استفاده قرار گرفتند. این کشورها نه تنها از حملات علیه ایران جلوگیری نکردند، بلکه بنا بر برخی گزارش‌ها در تحریک آمریکا به جنگ مشارکت داشته و همچنین با میزبانی از نیروهای مهاجم، در این تجاوز مشارکت فعال داشتند.

مقامات ارشد اماراتی نیز به‌صراحت از نقض با ایران سخن گفتند مشاور رئیس امارات، اذعان کرد که تفاهمی نانوشته مبنی بر عدم تعرض به ایران از خاک کشورهای عربی در برابر تضمین امنیت آنها وجود داشت که تهران با حملات خود آن را نقض کرده است، اما از مسئولیت کشورهای عربی در میزبانی از حملات سخنی نگفت.

افزون بر این، افشاگری‌ها حاکی از آن است که برخی کشورهای عربی در جلسات محرمانه با مقامات آمریکایی، از طرح‌های تجزیه ایران استقبال کرده‌اند و رسانه‌های رسمی عربی نیز با پوشش یک‌طرفه و تشویق به جنگ، در جنگ روانی تمام‌عیار علیه ایران مشارکت داشته‌اند. خسارات وارده به تأسیسات اقتصادی، زیرساخت‌های نفتی و مراکز غیرنظامی ایران، اعدادی میلیاردی را شامل می‌شود. کشورهایی که خاک خود را در اختیار مهاجمان قرار دادند، باید در بازسازی این خسارات مشارکت کنند. تاریخ نشان داده که در شرایط بحران‌های خارجی، انسجام ملی ایران افزایش می‌یابد و ملت ایران هرگز حقوق خود را فراموش نخواهد کرد. مطالبه غرامت از کشورهای عربی همکار با متجاوزان، یک حق قانونی و ضرورت راهبردی برای ایران است تا پیام روشنی به همه همسایگان بدهد که مشارکت در تجاوز به ایران، هزینه سنگینی در پی خواهد داشت.



نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام یازدهم

ضربه به زیرساخت‌های منطقه، زیرساخت‌های کل جهان را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

جنگ ایران و آمریکا یک حقیقت تلخ را به جهانیان نشان داد که خاورمیانه زیرساخت ترانزیت جهانی و قلب تپنده اقتصاد و امنیت جهان است. تنگه هرمز، جایی است که روزانه حدود ۴ میلیون بشکه نفت معادل ۲۰ درصد از عرضه جهانی و ۳۰ درصد از محموله‌های ال‌ان‌جی از آن عبور می‌کند. با بسته‌شدن این شاهراه حیاتی، قیمت نفت برنت به حدود ۹۰ دلار در هر بشکه رسید؛ بالاترین سطح در دو سال اخیر؛ اما دامنه این بحران فراتر از نفت بود. قطرانرژی، بزرگ‌ترین صادرکننده گاز مایع جهان، وضعیت فوراً رس‌ماژور اعلام کرد و تولید خود را متوقف ساخت. عراق نیز تولید ۳ میلیون بشکه‌ای خود را متوقف کرد. این یعنی مشتریان آسیایی در تأمین انرژی خود با بحران مواجه شدند. اهمیت تنگه هرمز اما تنها به انرژی محدود نمی‌شود. حدود ۳۳ درصد از کودهای شیمیایی جهان (گوگرد و آمونیاک) از این مسیر به مقاصد هند، چین، برزیل و آفریقا ارسال می‌شود و به گفته کارشناسان هیچ جایگزین عملی برای آن وجود ندارد. اختلال در این مسیر، زنجیره تأمین غذای جهان را با تهدید جدی مواجه کرده است.

بازارهای سهام جهان نیز از این شوک در امان نماندند. افزایش قیمت نفت باعث بدبینی در وال‌استریت شد و شاخص‌های داو جونز، چندین درصد افت کردند. تحلیلگران هشدار می‌دهند که اگر اختلال در تنگه هرمز بیش از چند هفته ادامه یابد، قیمت نفت می‌تواند تا ۱۵۰ دلار افزایش یابد و تورم را در سراسر جهان تشدید کند. پیام این جنگ روشن است ثبات جهان، به امنیت زیرساخت‌های منطقه گره خورده است.

همچنین منطقه در سال‌های اخیر به قطب استراتژیک فناوری تبدیل شده است. غول‌های فناوری، سرمایه‌گذاری‌های نجومی در این منطقه انجام داده‌اند؛ مایکروسافت ۱۵.۴ میلیارد دلار در امارات سرمایه‌گذاری کرده، گوگل و صندوق سرمایه‌گذاری عربستان ۱۰ میلیارد دلار برای ایجاد یک مرکز جهانی هوش مصنوعی اختصاص داده‌اند؛ آمازون وب‌سرویس نیز بیش از ۵.۳ میلیارد دلار صرف ایجاد مراکز داده در عربستان کرده است. شرکت انویدیا نیز ۱۸۰۰۰ تراشه پیشرفته «بلکول» به شرکت هوش مصنوعی سعودی «هومین» تحویل داده است. امارات و قطر با پیوستن به پیمان «پکس سیلیکا» (پیمان سیلیکون) به رهبری آمریکا، خود را به بخشی از زنجیره تأمین جهانی نیمه‌رساناها و هوش مصنوعی تبدیل کرده‌اند. هرگونه اختلال در این منطقه، نه فقط مراکز داده و سرورها که زنجیره تأمین جهانی ترانزشه، سخت‌افزار و خدمات ابری را با بحران مواجه می‌کند. به بیان دیگر، قلب تپنده اقتصاد دیجیتال آینده، در جغرافیایی می‌تپد که اکنون در آتش جنگ می‌سوزد.

پیام دوازدهم

مردم ایران تجربه دفاع مقدس و مدیریت شرایط جنگی را در کارنامه خود دارند.



جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، یک فرایند اجتماعی - تاریخی عمیق بود که مجموعه‌ای کم‌نظیر از تجربیات نهادی، اجتماعی و اقتصادی را برای کشور و جامعه ایران به همراه آورد. این تجربه، در بستر کمبودها، فشارهای خارجی و تهدیدهای مستمر شکل گرفت و به‌تدریج نوعی دانش زیسته جنگ را در سطوح مختلف حاکمیت و جامعه تولید کرد.

در سطح حاکمیتی، جنگ ایران و عراق موجب شکل‌گیری سازوکارهای مدیریت بحران، توزیع منابع محدود، اولویت‌بندی نیازهای حیاتی و تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت شد. نهادهای اجرایی کشور، ناگزیر آموختند چگونه با کمبود انرژی، غذا، ارز، تجهیزات و زیرساخت‌ها کنار بیایند و هم‌زمان حداقلی از کارکردهای اساسی دولت را حفظ کنند. این تجربه، نوعی «عقلانیت اضطراری» را شکل داد که در شرایط تهدید، سرعت عمل و انعطاف‌ناهایی را افزایش می‌دهد.

در سطح اجتماعی، جنگ هشت‌ساله به تقویت تاب‌آوری جمعی انجامید. جامعه ایران در آن دوره، شیوه‌های متنوعی از سازگاری با فشارهای اقتصادی، جیره‌بندی، مهاجرت‌های اجباری، از دست‌دادن منابع و ناملنی را تجربه کرد. شبکه‌های غیررسمی همیاری، خانواده‌محوری، اعتماد اجتماعی در سطح محلی و مشارکت داوطلبانه، نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی ایفا کردند. این الگوها نشان دادند که جامعه ایرانی، در شرایط بحران، توانایی بازتولید نظم اجتماعی را دارد.

از منظر اقتصادی، تجربه جنگ موجب شکل‌گیری الگوهای اقتصاد مقاومتی عملی شد؛ از جایگزینی واردات و خوداتکایی صنعتی گرفته تا مدیریت مصرف و سازوکارهای توزیع عادلانه‌تر منابع محدود. این تجربیات، هرچند پرهزینه بودند، اما به شکل‌گیری حافظه نهادی ارزشمندی انجامید که در شرایط مشابه قابل فعال‌سازی است.

در صورت تهاجم به زیرساخت‌های کشور در مقطعی از جنگ احتمالی جدید، این سرمایه تاریخی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. تجربه جنگ هشت‌ساله نشان می‌دهد که ترکیب یادگیری نهادی حاکمیت و مشارکت فعال مردم قادر است فشارهای شدید را مدیریت کند. جامعه و دولت ایران، با اتکا به این تجربیات انباشته، می‌توانند مسیر عبور از بحران را. هرچند دشوار. با انسجام، عقلانیت و تاب‌آوری طی کنند.



نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام سیزدهم

بر جامعه لازم است که مقابله با هراس افکنان را مطالبه‌کند.



آیا واقعا مساله اصلی ایران در وضعیت فعلی انتخاب رهبر بعدی است و یا جنگ و دفاع از سرزمین است؟ آیا فکر نمی کنید سرگرم شدن به بحث جانشینی بحثی انحرافی و سعی مهلک برای ایران در ایام جنگ است؟ و باعث منحرف شدن اذهان فرماندهان و سربازان از موضوع جنگ می‌شود؟ و عین خواسته‌ی دشمن است؟

در ادبیات جنگ روایت‌ها معمولاً تأکید می‌شود که یک روایت برای‌آنکه بتواند از سطح گفتمان عبور کرده و به سطح رفتار اجتماعی برسد، باید سه مرحله متمایز اما پیوسته را طی کند. در مرحله نخست، هسته‌ای از نخبگان فکری، رسانه‌ای یا سیاسی، شکل‌دهنده افق‌های تفسیری هستند. در واقع، این سطح همان نقطه تولید چارچوب‌های معنایی است که بعدها در سطوح دیگر تکثیر می‌شود. در

مرحله دوم، روایت تولید شده توسط این هسته نخبگانی وارد چرخه ترجمه و توزیع می‌شود. رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها، شبکه‌های اجتماعی، تولیدکنندگان محتوا و حتی چهره‌های فرهنگی در این سطح نقش واسط دارند. آن‌ها روایت اولیه را به زبان‌های مختلف، قالب‌های متنوع و مخاطبان متفاوت منتقل می‌کنند. مرحله سوم زمانی شکل می‌گیرد که روایت وارد ذهنیت عمومی جامعه می‌شود. در این سطح، مردم، رویدادها را از خلال همین روایت‌ها فهم و تفسیر می‌کنند. هنگامی که یک روایت در افکار عمومی تثبیت شود، به‌تدریج معیار ارزیابی رویدادها و حتی مبنای رفتارهای اجتماعی قرار می‌گیرد. در چنین وضعیتی، روایت صرفاً یک تفسیر ذهنی نیست، بلکه به عاملی تبدیل می‌شود که رفتار جمعی، قضاوت‌های عمومی و در نهایت واقعیت اجتماعی را شکل می‌دهد.

در شرایط جنگ یا بحران‌های امنیتی ناشی از هدف قرارگرفتن زیرساخت‌ها، مدیریت این فرایند برای دولت‌ها و نهادهای مسئول اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. در چنین موقعیت‌هایی، فشارهای ناشی از تخریب زیرساخت‌ها، اختلال در خدمات عمومی و افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به‌سرعت بر روحیه عمومی جامعه اثر بگذارد.

ازآنجاکه گروه‌ها و خروجی‌های مرحله دوم و سوم بسیار متکثر و پراکنده هستند، مقابله مستقیم با آن‌ها غالباً دشوار و پرهزینه است. به همین دلیل تمرکز راهبردی باید بر مرحله نخست، یعنی سرچشمه تولید روایت‌ها، قرار گیرد. در این سطح، نخبگان و روایت‌سازان اولیه نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی فضای عمومی دارند. اگر روایت‌های هراس‌آفرین، ناامیدکننده یا پهره‌بردارانه از بحران در همین نقطه مهار نشوند، به‌سرعت در شبکه‌های رسانه‌ای تکثیر شده و به ادراک عمومی تبدیل خواهند شد.

پیام چهاردهم

نابرابری شدیدی در موازنه آب وجود دارد و اسرائیل در این زمینه آسیب‌پذیر و شکننده است.



آب، آخرین مرحله جنگ زیرساختی محسوب می‌شود. حمله به آب‌شیرین‌کن‌قشم در افکار عمومی یک جنایت جنگی و همانند کشتار دانش‌آموزان مدرسه دخترانه میناب است و واکنش افکار عمومی را به دنبال داشته است. اما آنچه معادله را در روی زمین تغییر داد، پاسخ متقابل ما در بحرین بود که

نشان داد هیچ ملاحظه‌ای در موازنه آب در مقابل آب ندارد. منابع آبی ایران بسیار گسترده، متنوع و پراکنده در جغرافیایی به بزرگی ایران است. در مقابل کشورهای حاشیه خلیج فارس که بخش حاشیه‌ای منابع آبی‌شان واردات آب‌معنایی با کشتی بود را به واسطه کنترل ایران بر تنگه هرمز از دست داده‌اند. عمده منابع آبی این کشورها مجتمع‌های بزرگ آب‌شیرین‌کن آب‌های شور خلیج فارس است. رژیم صهیونیستی نیز دقیقاً با چنین مشکلی مواجه است. تعداد آب‌شیرین‌کن‌های خلیج فارس و اسرائیل بسیار کم است و به صورتی بی‌دفاع زیر ضربات ایران قرار داند. ازبین‌رفتن این آب‌شیرین‌کن‌ها به معنای واقعی امکان هر نوع زندگی را در این کشورها از بین می‌برد و این کشورها ناچار به تخلیه جغرافیای خود در ظرف یکی دو روز خواهند بود. طبیعی است که به هیچ وجه تخلیل ورود به این معادله را نداشته باشند. هر نوع ورود حساب‌نشده‌ای به این معادله، برای آنان کابوسی وحشتناک خواهد بود که در همان لحظه نتیجه نهایی جنگ را روشن می‌کند. واکنش ایران به حمله به آب‌شیرین‌کن قشم به دلایل اخلاقی کمی خویشتن‌دارانه بود و وارد فاز تهدید حیاتی طرف‌های مقابل نشد؛ اما اگر دشمن بخواهد انتخاب‌های دیوانه‌وار انجام دهد، گزینه‌های به‌مراتب خطرناک‌تری از سمت ایران می‌تواند عملیاتی شود.



payamenehzat.ir

@paiamenehzat

فهرست

۴	پیام اول	در حمله به زیرساخت‌ها ما شروع‌کننده جنگ نبودیم.
۵	پیام دوم	شبکه زیرساخت‌های کشور مستحکم شده و آمادگی لازم برای مدیریت مصرف وجود دارد.
۶	پیام سوم	علت زیرساختی شدن جنگ، شکست پروژه تغییر نظام است.
۷	پیام چهارم	تجربه ملت یمن نشان می‌دهد حمله به زیرساخت‌ها تعیین‌کننده نتیجه جنگ نیست.
۸	پیام پنجم	شبکه تأمین مردمی می‌تواند از عهده اداره امور بر بیاید.
۹	پیام ششم	امکان تأمین کالاها از کشورهای همسایه از جمله روسیه وجود دارد.
۱۰	پیام هفتم	شبکه زیرساخت‌ها از نظر جغرافیایی، گستردگی و پراکندگی قابل‌توجهی دارد.
۱۱	پیام هشتم	با کاهش حمل‌ونقل، افت نیاز به انرژی و نزدیکی فصل گرما، مدیریت منابع انرژی آسان‌تر شده است.
۱۲	پیام نهم	زیرساخت‌های منطقه و اسرائیل شکننده است و این فرصتی راهبردی برای تغییر معادلات قدرت است.
۱۳	پیام دهم	کشورهای عربی می‌بایست مسئولیت تأمین غرامت‌های جنگ را بر عهده بگیرند.
۱۴	پیام یازدهم	ضربه به زیرساخت‌های منطقه، زیرساخت‌های کل جهان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.
۱۵	پیام دوازدهم	مردم ایران تجربه دفاع مقدس و مدیریت شرایط جنگی را در کارنامه خود دارند.
۱۶	پیام سیزدهم	بر جامعه لازم است که مقابله با هراس افکنان را مطالبه کند.
۱۷	پیام چهاردهم	نابرابری شدیدی در موازنه آب وجود دارد و اسرائیل در این زمینه آسیب‌پذیر و شکننده است.

۱۲

نبرد سرنوشت؛

فاز زیرساخت

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران

۱

نبرد سبز نوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

در حمله به زیرساخت‌ها ما شروع‌کننده جنگ نبودیم.



جنگ‌ها زمانی که به مواضع زیرساختی کشیده شوند، خسارت‌های برآمده از آنها تبدیل به فاجعه خواهد شد و جمهوری اسلامی ایران از مدت‌ها قبل هشدار داده بود که چنانچه دشمن در تعرض جدید خود، زیرساخت‌های کشور را هدف قرار دهد، جمهوری اسلامی زیرساخت‌های خود را معادل زیرساخت‌های کل منطقه می‌داند، لذا دشمن به دنبال فاجعه در ایران نگردد که پیش از آن، خود با فاجعه روبرو خواهد شد.

به همین جهت، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای ممانعت از گسترش دامنه درگیری به زیرساخت‌ها، در نهایت خویشتن‌داری، اقدامی علیه زیرساخت‌های دشمن در منطقه انجام نداده بودند تا اینکه در شامگاه شنبه، ۱۶ اسفندماه، دشمن با حمله به انبار نفت تهران، البرز و... آتش جنگ زیرساختی را برافروخت و ایران را وادار به جنگی زیرساختی در سطح منطقه کرد. دشمن همچنین با هدف قراردادن آب‌شیرین‌کن قشم که به‌منظور تأمین آب شرب آن منطقه برای عموم مردم مورد استفاده قرار می‌گرفت، از جنبه‌ای دیگر نشان داد که با تمام ملت ایران دشمن است و تفاوتی میان ضدانقلاب و انقلابی قائل نمی‌شود، چیزی که در فضای مجازی باعث تعجب و شکایت ضد انقلاب‌های داخل و خارج کشور از آمریکا شده است.

مبتنی بر این تجاوز آشکار، جمهوری اسلامی در اقدامی دفاعی به پلایشگاه حیفا در رژیم صهیونیستی حمله کرد و تهدید خود مبنی بر اینکه زیرساخت‌های ایران معادل زیرساخت‌های کل منطقه است را عملی ساخته است تا بتواند از این طریق، بازآرندگی واقعی ایجاد کند. روند فرزانده جنگ که به جنگ زیرساختی رسیده است، در نهایت با پیروزی ایران منجر می‌شود، چه آنکه زیرساخت‌های ایران بسیار پراکنده‌تر از دشمن است و تراکم زیرساخت‌های دشمن، این مواضع را تحت سلطه ایران قرار داده و ایران به‌محض اراده، می‌تواند دشمن را به بحران تأمین انرژی و نیازهای اولیه برساند و نارضایتی گسترده‌ای برای ملت جعلی رژیم صهیونیستی رقم زند.

پیام دوم

در دوران جمهوری اسلامی، شبکه زیرساخت‌های

کشور مستحکم شده و آمادگی لازم برای طرح‌های

مدیریت مصرف وجود دارد.

جنگ زیرساختی که این روزها زمزمه آن در تقابل ایران و ائتلاف آمریکا - اسرائیل مطرح است، برگ جدیدی از جنگ را رقم خواهد زد. ایران برای چنین جنگی، آمادگی و شرایط لازم را برخوردار است و دشمن نیز این را به خوبی می‌داند. معماری زیرساخت‌های حیاتی کشور به‌صورت غیرمتمرکز طراحی شده و شبکه‌ای است که با قطع یک نقطه از کار نمی‌افتد و گره‌های متعدد آن، تاب‌آوری سیستم را بالا می‌برد. تعداد زیاد و پراکندگی جغرافیایی نیروگاه‌ها و پلایشگاه‌ها در سراسر کشور، یک مزیت عالی برای ایران به‌حساب می‌آید. درحالی‌که دشمن اسرائیلی از لحاظ تعداد و پراکندگی در شرایط متفاوتی به سر می‌برد. به‌عنوان مثال ایران دارای ۱۰ پلایشگاه اصلی و ۱۴۹ نیروگاه حرارتی است درحالی‌که رژیم صهیونیستی، ۲ پلایشگاه اصلی دارد.

در حوزه سایبری نیز پس از تجربه حملات سایبری استاکس‌نت، ایران تجربه‌های بسیار زیادی را به دست آورده و در بازسازی و ارتقا در این حوزه به کار برده است. در حوزه درمانی نیز، پراکندگی و کمیت بسیار زیاد این مراکز در ایران و همچنین بیمارستان‌های سیار و مراکز درمانی پشتیبان در سراسر کشور مستقر هستند و سیستم تأمین آب با ترکیبی از سده‌های بزرگ، سده‌ای محلی، آب‌شیرین‌کن‌ها و چاه‌های عمیق، تک منبعی بودن را به حداقل رسانده است.

اما پشتوانه اصلی این زیرساخت‌ها، آمادگی عمومی و حافظه تاریخی ملت است. نسل‌های مختلف جامعه ایران، تجربه زندگی با کوپن در دوران جنگ تحمیلی و تجربه موفق سهمیه‌بندی بنزین به مدت هشت سال و کاهش ۴۰ درصدی مصرف، نشان داده‌است که جامعه ایران ظرفیت پذیرش فشارهای نامتعارف را دارد. در حال حاضر نیز زیرساخت فناوری اطلاعات برای توزیع کالا/برگ الکترونیکی در برخی استان‌ها آزمایش شده و آماده گسترش سراسری است. اتاق‌های عملیات اقتصاد با سناریوهای متعدد (از بسته‌شدن تنگه هرمز تا بمباران تأسیسات کلیدی) طراحی و تمرین شده‌اند و انبارهای ذخیره کالاهای اساسی در سراسر کشور انباشته و پراکنده شده‌اند تا حتی با بمباران بخشی از آنها، زنجیره تأمین از کار نیفتد. مسیرهای جایگزین حمل‌ونقل و بنادر پشتیبان برای شرایط اختلال مسیرهای اصلی نیز در دستور کار است و فرهنگ صرفه‌جویی به سرمایه اجتماعی تبدیل شده است. تاریخ نشان داده که در شرایط بحران‌های خارجی، انسجام ملی ایران افزایش می‌یابد و مردم حاضر به پذیرش محدودیت‌ها برای حفظ استقلال و امنیت کشور هستند و این مهم، زیرساخت اساسی تاب‌آوری کشور در این شرایط است.

پیام اول

در حمله به زیرساخت‌ها ما شروع‌کننده جنگ نبودیم.

۳

نبرد سبز نوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

عزت زیرساختی شدن جنگ، شکست پروژه تغییر نظام است.



اهداف راهبردی ایالات متحده آمریکا در این جنایت جنگی، به وضوح از جانب رئیس‌جمهور خونخوار این کشور بیان شده است که طبق آن، فروپاشی حاکمیت ایران، تجزیه کشور، نابودی توان موشکی و فناوری هسته‌ای ایران مدنظر بوده است. اکنون که در روز نهم جنگ قرار گرفته‌ایم و گزارشی مبنی بر خسارت جدی به فناوری هسته‌ای ایران از جانب نهادهای ناظر خارجی و داخلی وجود ندارد و فضای آفندی و پدافندی کشور نیز با قدرت در حال دفاع و هجوم گسترده به دشمن است، اثبات می‌کند که دشمن به هیچ‌کدام از اهداف خود نرسیده است و حاکمیت ایران مقتدرانه و متکی به وحدت ملی ایرانیان، به روند مقاومت خود ادامه می‌دهد و قدرت اول نظامی جهان را از ناکامی در دست‌یابی به اهداف راهبردی خود کلافه ساخته است. همین ناکامی موجب شده است تا آنها تصمیماتی برآمده از خشم، دلهره و کینه بگیرند و جنگ را به حوزه زیرساخت‌ها بکشانند تا حداقل قدرت ایران را کاهش دهند و از روند توسعه و پیشرفت آن جلوگیری کنند و نارضایتی عمومی در جامعه پدید آورند، اما در این زمینه نیز ناکام خواهد ماند، چراکه ملت ایران، سلحشوری خود را طی این مدت با حضور در خیابان و مطالبه انتقام نشان داده است و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز دهه‌هاست برای جنگ با آمریکا به تولید سلاح و تربیت نیروهای نظامی و شبیه‌سازی عملیات پرداخته‌اند و امروز که موعد جنگ فرارسیده است، آماده‌تر از هر لحظه، با طرح‌های برنامه‌ریزی شده به سراغ اهداف خود رفته‌اند و دشمن را از هر ساحتی که تجاوز کند، غافلگیر کرده و پاسخی حیثیت سوز به آن می‌دهند؛ بنابراین فروکاسته شدن اهداف راهبردی آمریکا به ضربات تاکتیکی علیه ایران، نشان از شکست آشکار دشمن دارد. حمله علیه زیرساخت‌ها نیز تلاشی است برای دستاوردهاسازی تا از طریق آن بتوانند حیثیت جهانی خود را حفظ کنند و همچنان خود را ابرقدرت بی‌چون و چرای جهان نشان دهند، چیزی که نه تنها جهان را قانع نمی‌کند، بلکه وضعیت افکار عمومی آمریکا نسبت به آنها را بدبین‌تر از قبل خواهد کرد.

پیام سوم

عزت زیرساختی شدن جنگ، شکست پروژه تغییر نظام است.

۵

نبرد سبز نوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

شبکه تأمین مردمی می‌تواند از عهده ادار امور بربیاید.



در سناریوی جنگ و حمله به زیرساخت‌های حیاتی کشور، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها اختلال در زنجیره تأمین، حمل‌ونقل و توزیع مواد غذایی است. باین‌حال، تجربه تاریخی و ساختار اجتماعی ایران نشان می‌دهد که ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای مدیریت مردمی و محلی این شرایط وجود دارد؛ ظرفیتی که اگر با سیاست‌گذاری هوشمندانه دولت همراه شود، می‌تواند تاب‌آوری جامعه را به شکل چشمگیری افزایش دهد؛ نخستین عنصر در این زمینه، امکان شکل‌گیری «شبکه تأمین مردمی» در مقیاس‌های محلی است. در شرایطی که زیرساخت‌های متمرکز دچار آسیب شوند، مدیریت توزیع کالاها می‌تواند از طریق ساختارهای محلی در سطح استان، شهرستان، بخش و روستا سامان یابد. دولت در چنین شرایطی بیش از آنکه متکی به مدیریت کاملاً متمرکز باشد، می‌تواند نقش سیاست‌گذار، تنظیم‌گر و ناظر را ایفا کند و از ظرفیت کنشگران محلی برای سازمان‌دهی حمل‌ونقل، انبارش و توزیع کالاهای اساسی بهره گیرد. این الگوی مدیریت پراکنده و انعطاف‌پذیر، امکان واکنش سریع‌تر به اقتضانات هر منطقه را فراهم می‌کند.

دومین عامل مهم، ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی جامعه ایرانی در مواجهه با نااطمینانی‌های اقتصادی و اجتماعی است. در بسیاری از خانواده‌های ایرانی، به‌ویژه در شهرهای کوچک و مناطق روستایی، سنت ذخیره‌سازی بخشی از مواد غذایی اساسی همچنان وجود دارد. این ذخیره‌های خانگی که در شرایط عادی نیز نگهداری می‌شوند، در شرایط بحران می‌توانند نقش یک «ضریب اطمینان اجتماعی» را ایفا کنند و فشار فوری بر شبکه توزیع رسمی را کاهش دهند.

سومین ظرفیت مهم، سرمایه اجتماعی و نهادهای محلی مبتنی بر همبستگی است. سنت‌هایی مانند انفاق، موااسات و یاری‌رسانی جمعی در فرهنگ ایرانی ریشه‌ای عمیق دارند و در بزنگاه‌های تاریخی، بارها فعال شده‌اند. مساجد، هیئت‌ها، خیریه‌های محلی و شبکه‌های غیررسمی محله‌ای می‌توانند به‌سرعت به مراکز سازمان‌دهی کمک‌های مردمی تبدیل شوند. این نهادهای قادرند نیازهای اقشار آسیب‌پذیر را شناسایی کرده و از طریق توزیع محلی منابع، بخشی از شکاف‌های احتمالی در دسترسی به مواد غذایی را جبران کنند.

پیام ششم

امکان تأمین کالاها از کشورهای همسایه از جمله

روسیه وجود دارد.



یکی از نگرانی‌ها در زمان جنگ، کمبود کالا است. پرسش آن است که کشور ما برای جبران این مشکل احتمالی چه کرده یا چه می‌تواند بکند؟

علاوه بر وجود یک ذخیره شش‌ماهه در سیلوها و انبارها از کالاهای اساسی، امکان واردات جدی کالا حتی از تنگه هرمز منتفی نیست، زیرا هم‌اکنون تنگه به‌صورت هوشمند منسد شده است و حتی تانکرهای نفت‌کش ایران و برخی دوستانش به‌سلامت و با اشراف نیروهای مسلح از این تنگه بازرگیری موفق مکرر داشته‌اند.

اما علاوه بر این ما عمدتاً در دو جبهه جنوبی و غربی کشور با دشمن درگیریم و کشور از مسیرهای شرقی و شمالی باز و بدون کوچکترین درگیری مؤثر است و همه این‌ها با تنوع و گستردگی مرزها امکان تداوم واردات و صادرات برای تأمین کالا و گردش اقتصادی را فراهم آورده است. اختصاصاً مسیر آبی دریای خزر با بنادر چهارگانه‌مان در مقابل بنادر سه‌گانه روسیه(آستاراخان، ماخاچ‌کالا، لاگان) که هم امکان حمل کانتینری و هم حمل فله خشک(غلات)، روغن و فراورده‌های نفتی، و سردخانه برای محصولات کشاورزی در آن وجود دارد و درضمن به‌راه‌آهن شمال ایران(میرآباد) وصل است، خود یک ظرفیت ویژه واردتی و حتی صادراتی است. حتی اگر مسیر زمینی ما با روسیه از طریق آذربایجان بسته شود، بازم هم مسیر مذکور توان کافی را برای پشتیبانی دارد. ضمن آنکه کشورهای قزاقستان و ترکمنستان هم‌اکنون خود واسط مسیر تجاری بین ایران و روسیه در ناحیه شمال شرقی ما هستند. مسیری که به راه‌آهن هم وصل است.

در شمال و شمال شرقی ایران مرز سه‌گانه ما با ترکمنستان(سرخس، اینچه‌برون و لطف‌آباد) ظرفیتی فعال و در دسترس و با قابلیت مانور بالا در اختیار ایران برای مدیریت واردات قرار می‌دهد.

همه این‌ها در کنار ظرفیت مرزهای شرقی با پاکستان و افغانستان دسترسی فعال دیگری برای ایران فراهم آورده است. ازاین‌رو می‌توان گفت مدیریت واردات و تأمین انواع کالاها با دسترسی‌های گسترده ایران امری مقدور است و دشمن نمی‌تواند در این زمینه برنامه فعالی داشته باشد.

پیام پنجم

شبکه تأمین مردمی می‌تواند از عهده ادار امور بربیاید.

۷

نبرد سبز نوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام هفتم

شبکه زیرساخت‌ها از نظر جغرافیایی، گستردگی و پراکندگی قابل توجهی دارد.



یکی از واقعیت‌های مهم در تحلیل امنیت ملی ایران که گاه در فضای رسانه‌ای کمتر به آن توجه می‌شود، پراکندگی جغرافیایی زیرساخت‌های حیاتی کشور است. در یک نگاه راهبردی، زیرساخت‌های حیاتی مانند شبکه‌های انرژی، حمل‌ونقل، صنایع مادر، مراکز تولیدی و تأسیسات پشتیبان در ایران به‌صورت گسترده و در نقاط مختلف کشور توزیع شده‌اند.

این ویژگی نتیجه الزامات جغرافیایی، جمعیتی و مدیریتی سرزمین وسیع ایران است. همین

پراکندگی، به طور طبیعی سطح آسیب‌پذیری هم‌زمان زیرساخت‌ها را کاهش می‌دهد. در یک کشور

پهناور، برای ایجاد اختلال جدی در کارکردهای کلان، نیاز به عملیات متعدد، گسترده و هماهنگ

در مناطق مختلف وجود دارد؛ امری که مستلزم زمان، امکانات، هزینه و پیچیدگی عملیاتی بسیار

بالاست. به همین دلیل، از منظر راهبردی، هدف قراردادن زیرساخت‌های کشوری با چنین گستره‌ای

نه‌تنها دشوار، بلکه در عمل با محدودیت‌های جدی مواجه است.

در مقابل، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس با جغرافیای بسیار کوچک و تمرکز بالای زیرساخت‌ها مواجه‌اند. همچنین به دلیل اختلاف جمعیتی و کم‌بودن جمعیت در این مناطق تعداد زیر ساخت محدود و متناسب با همان جمعیت است و در مقابل ما بسیار آسیب‌پذیرتر هستند. در چنین شرایطی، فاصله‌های کوتاه، تراکم تأسیسات حیاتی و محدودیت عمق جغرافیایی باعث می‌شود که زیرساخت‌ها به‌شدت در معرض آسیب‌های هم‌زمان قرار گیرند. ازاین‌رو، درک درست از مزیت جغرافیایی ایران می‌تواند به روشن‌تر شدن فضای تحلیل کمک کند. گستره سرزمینی کشور، همراه با توزیع متنوع زیرساخت‌ها، نوعی «عمق راهبردی» ایجاد کرده که امکان مدیریت بحران و تداوم کارکردهای حیاتی را افزایش می‌دهد و ایران را به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی منحصربه‌فرد، از ظرفیت قابل‌توجهی برای تاب‌آوری در برابر تهدیدات برخوردار می‌کند.

پیام هشتم

با کاهش حمل‌ونقل، افت نیاز به انرژی و نزدیکی

فصل گرما، مدیریت منابع انرژی آسان‌تر شده‌است.



باتوجه‌به تعطیلی و مجازی‌شدن

مدارس و دانشگاه‌ها و دورکار شدن

بخش قابل توجهی از اداره‌جات در

سراسر کشور و اسکان اغلب مردم در

خانه‌هایشان، امروز نیاز به رفت‌وآمد

در کشور کاهش پیدا کرده است؛

همچنین در شرایط فعلی انواع حمل و

نقل‌ها در سطح کشور با کاهش روبرو

شده و صرفاً به موارد ضروری محدود

است، لذا این کاهش ترده‌ها و حمل

و نقل‌ها، نیاز به انرژی را طبعاً کاهش

می‌دهد و نقشی مؤثر در مدیریت و

توزیع بهینه و ساده‌تر انرژی دارد. علاوه

بر این، باتوجه‌به اینکه به فصل گرما

نزدیک می‌شویم و از سردی زمستان

فاصله گرفته‌ایم، ضرورت استفاده از

انرژی‌های گرمابخش نیز از بین رفته است که این نیز موهبتی دلگرم‌کننده

است که احتیاج به منابع انرژی را کاهش می‌دهد و در مدیریت منابع انرژی،

تسهیلگری خواهد کرد. علاوه بر همه این موارد، جامعه ایران باتوجه‌به

سنت تاریخی خود و فرهنگ برآمده از آموزه‌های اسلامی و شیعی که دارد،

در همدلی اجتماعی و همکاری دلسوزانه ملی بسیار فعال است و بدون

نیاز به تبلیغات و پوشش‌های ملی، به صورت خودجوش در لحظات بحران،

خودش را با شرایط به‌نحوی همدلانه هماهنگ می‌کند؛ لذا آحاد ملت نیز

با صرفه‌جویی و مدیریت منابع انرژی، قدمی مهم در جلوگیری از ایجاد

هرگونه خلل و کاستی در منابع انرژی داشته و خواهند داشت.

۸

نبرد سبز نوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران